

دیده بان منطقه

شماره نهم

مرکز تحلیلی
راهبردی و بین المللی



الله الرحمن الرحيم

فهرست

- ۵ محمود عباس انتخابات فلسطین را به تعویق انداخت
- ۶ واکنش های سیاستمداران ترک علیه توافق مکه روبه افزایش است
- ۸ دیدار هرتزوگ با وزیر خارجه بحرین و رئیس جمهوری آذربایجان
- ۹ آتش بس با میانجی گری آمریکا قرار بود به جنگ غزه پایان دهد؛ حال اما، روند اجرای توافق متوقف شده است
- ۱۱ کلمبیا سفارت خود را در قدس اشغالی افتتاح کرد
- ۱۳ آرژانتین تفاهم نامه با رژیم صهیونیستی امضا کرد و روابط راهبردی را تعمیق بخشید

فهرست

- ۱۵ انتخابات رژیم صهیونیستی در حال بازترسیم نقشه دیپلماتیک آمریکای لاتین است؛ چگونه؟
- ۱۸ انگلستان دامنه تحریم‌ها علیه حامیان شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی را گسترش می‌دهد
- ۱۹ شهر سومرویل آمریکا در آستانه تصویب طرح قطع همکاری مالی با شرکت‌های مرتبط با رژیم صهیونیست
- ۲۶ چین در دیدار با هرتزوگ خواستار توقف شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی در کرانه باختری شد
- ۲۷ دیده‌بان: تحلیل کلی منطقه
-



سخن سردبیر

تحولات هفته جاری بار دیگر نشان داد که گسترش روابط خارجی رژیم صهیونیستی را نمی‌توان صرفاً در چارچوب مناسبات دیپلماتیک دوجانبه بررسی کرد. تلاش برای تعمیق روابط با کشورهای پیوسته به پیمان ابراهیم و توسعه مناسبات با برخی دولت‌های آمریکای لاتین، در کنار تحرکات این رژیم در عرصه بین‌المللی، از پیگیری راهبردی گسترده‌تر برای تقویت جایگاه سیاسی و بازتعریف نقش خود در نظم منطقه‌ای حکایت دارد. در این میان، آنچه اهمیت بیشتری می‌یابد، تلاش رژیم صهیونیستی برای معرفی پیمان ابراهیم به عنوان الگویی برای صلح و همکاری منطقه‌ای است. این رویکرد، فراتر از گسترش روابط رسمی میان دولت‌ها، ناظر بر شکل‌دادن به روایتی خاص از آینده غرب آسیاست؛ روایتی که در آن عادی‌سازی روابط و همکاری‌های اقتصادی و امنیتی در مرکز توجه قرار می‌گیرد، در حالی که مسئله فلسطین و حقوق مردم این سرزمین همچنان از مهم‌ترین مسائل حل نشده منطقه باقی مانده است.



محمود عباس انتخابات فلسطین را به تعویق انداخت و انتخابات ریاست جمهوری را برای سپتامبر ۲۰۲۷ تعیین کرد



محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، روز شنبه انتخابات پارلمانی را که قرار بود ماه آینده برگزار شود، به ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۷ موکول کرد و برای همان تاریخ نیز انتخابات ریاست جمهوری اعلام نمود؛ او اسرائیل و وضعیت امنیتی در سرزمین‌های فلسطینی را عامل این تأخیر دانست.

به گزارش خبرگزاری رسمی فلسطین (وفا)، در فرمان عباس به «موانع ناشی از اقدامات اسرائیل» و لزوم فراهم‌سازی شرایط مناسب سیاسی، امنیتی و میدانی برای برگزاری انتخاباتی «آزاد، عادلانه و فراگیر» اشاره شده است.

گیدئون ساعر، وزیر امور خارجه اسرائیل، در پستی در شبکه اجتماعی «ایکس» با اشاره به اینکه آخرین انتخابات فلسطین دو دهه پیش برگزار شده است، اظهارات عباس را رد کرد و آن را «دروغ مضحک دیگری با هدف فرار از مسئولیت و پاسخگویی» خواند.



تاریخ: ۲۰ مهر ۱۴۰۵

منبع: رویترز

برچسب: انتخابات فلسطین، رژیم صهیونیستی، محمود عباس

تحلیل

علیرغم اینکه رژیم صهیونیستی ادعای محمود عباس مبنی بر مانع تراشی بر انتخابات فلسطین توسط اسرائیل را رد کرده است، اما این ادعا در فضای سیاسی فلسطین واقعی بنظر می‌رسد. رژیم با فعالیت‌های خود مانع از برگزاری انتخابات آزاد خواهد شد. عملیات نظامی و بمباران توسط ارتش رژیم صهیونیستی در غزه ادامه دارد و همزمان فشارها و دستگیری‌ها نیز در کرانه باختری بیشتر شده است. نکته‌ی دیگری که اهمیت دارد این است که فتح و حماس واکنشی یکسان داشته‌اند و از تاخیر در انتخابات استقبال کرده‌اند. بنظر می‌رسد که دو طرف می‌دانند در شرایط حال حاضر انتخابات می‌تواند به ضرر این دو جریان پایان یابد و سبد رای حماس نیز در شرایط پسا طوفان الاقصی کاهش دهد. محمود عباس نیز با وجود رقیب سیاسی قوی همچون دحلان وضعیت فعلی بهتر دانسته است.



♦ واکنش‌های سیاستمداران ترک علیه توافق مکه روبه افزایش است

توافق مکه که انتظار می‌رود به پارلمان ارائه شود، با انتقاد فزاینده‌ای از سوی سیاستمداران و مردم مواجه شده است. در حالی که انتقادات مبنی بر اینکه این توافق به منافع ایالات متحده و اسرائیل در منطقه خدمت خواهد کرد، رو به افزایش است، نمایندگان احزاب سیاسی از مجلس ملی کبیر ترکیه خواسته‌اند که آن را رد کند.

جناح‌های سیاسی مختلف با استناد به اصل ۹۲ قانون اساسی از مجلس خواستند که این پیمان را تصویب نکند. دوغوپرینچک، رئیس حزب میهن اعلام نموده: «این توافق نامه ارزش عملی دارد زیرا ایران و فلسطین را شامل نمی‌شود. بنابراین، هیچ‌کس جز آمریکا و اسرائیل از توافق نامه دفاعی مکه خوشحال نیست. این ادعا که این توافق نامه علیه اسرائیل است، دروغی بزرگ و فریبی علیه مردم ترکیه و مردم غرب آسیا است. این توافق نامه با دخالت‌های آمریکا و اسرائیل لکه‌دار شده است. موش‌ها وارد کیسه آرد شده‌اند. هیچ امکان یا تضمینی برای تمیز کردن کیسه آرد وجود ندارد. بنابراین، مجلس ملی کبیر ترکیه نمی‌تواند مسئولیت تصویب توافق نامه دفاع مکه را که با دخالت‌های آمریکا و اسرائیل لکه‌دار شده است، بر عهده بگیرد. مجلس ملی کبیر ترکیه نمی‌تواند توافق نامه دفاع مکه را تصویب کند. اعزام سربازان ترکیه به جبهه یمن، یا حمایت از نیروهای تحت حمایت آمریکا و اسرائیل در جبهه یمن از طریق عربستان سعودی، دشمنی با فلسطین، دشمنی با غزه، دشمنی با ایران، دشمنی با اسلام و دشمنی با بشریت است. تأیید «ائتلاف مکه» به منزله تأیید اسرائیل خواهد بود.»

کمال قلیچدار اوغلو رییس حزب جمهوری خواه نیز اعلام نموده: «ترکیه، پاکستان و عربستان سعودی توافق نامه مکه را امضا کردند. چند سوال اینجا ما را آزار می‌دهد. این توافق نامه هنوز به پارلمان ارائه نشده است. ما نمی‌دانیم چه زمانی ارائه خواهد شد. متن کامل توافق نامه دفاع مشترک مکه چیست و ترکیه چه تعهدات نظامی را پذیرفته است؟ در این توافق نامه آمده است که اگر به یکی از این سه کشور حمله شود، حمله به ما نیز تلقی خواهد شد. اگر ایران و عربستان سعودی فردا با هم درگیر شوند چه؟ آیا ما قصد داریم به ایران اعلام جنگ کنیم؟ محدودیت‌های این تعهد نظامی چیست؟ بیایید و توضیح دهید. ما کشورمان را دوست داریم. سیاست خارجی باید ملی باشد. در سیاست خارجی هیچ حزب حاکم یا اپوزیسیونی وجود ندارد. زیرا آنچه در سیاست خارجی بیشترین اهمیت را دارد منافع ترکیه است.»

اوزگور اوزل رییس حزب جدید نیز ابراز داشته: «آنها مشغول فرستادن سربازان ترکیه به بیابان‌های یمن هستند؛ این چیزی است که آنها محاسبه می‌کنند. فرستادن سربازان ترکیه به یمن طرح ترکیه نیست، برنامه آن است. فرستادن سربازان ترکیه به یمن طرح ترامپ است؛ این طرح در خدمت منافع اسرائیل و آمریکا است. هیچ‌کس نمی‌تواند بدون توافق قطعی در پارلمان، مواد ۹۰ و ۹۲ قانون اساسی را نقض کند. ترکیه نباید به عنوان یکی از طرفین این جنگ در نظر گرفته شود.»



محمود آریکان رییس حزب سعادت نیز توافق را اشتباه خوانده و گفته است: «آنها کشورهایی مانند ترکیه، پاکستان و عربستان سعودی را گرد هم آوردند و به توافقی رسیدند. وقتی ما این پروژه را پیشنهاد دادیم، هدف ما این بود که مصر، ترکیه، ایران، عربستان سعودی و پاکستان گرد هم آیند و یک پیمان عدم تجاوز ببندند تا صهیونیسم و آمریکا را به زانو درآورند. با این حال، مثل همیشه، دولت دوباره ما را اشتباه فهمید و امروز آنها اتحادیه‌ای را اجرا کرده‌اند که مصر و ایران را شامل نمی‌شود.»



تاریخ: ۲۲ مهر ۱۴۰۵

منبع: آیدین لیک

برچسب: توافق مکه، ترکیه، مجلس کبیر، عربستان سعودی

تحلیل

مخالفت‌های داخلی احزاب ترکیه‌ای با توافق مکه، عدم راهبرد و برنامه جامع در این توافق را بیشتر از پیش نشان داده است. سوالات نمایندگان پیش روی توافق مکه، و تحولات منطقه به ویژه در یمن توافق مکه را در ورطه آزمایش قرار داده و بیش از اینکه این توافق به امنیت ساز باشد به سمت غرق شدن در جنگ بی پایان در یمن سوق می‌دهد.



♦ دیدار هرتزوغ با وزیر خارجه بحرین و رئیس جمهوری آذربایجان

اسحاق هرتزوغ رئیس جمهور رژیم صهیونیستی در نشست اجلاس اعتماد سازی امنیت جمعی «سیکا» که در باکو برگزار شد شرکت کرد. در حاشیه این دیدار وی با وزیرخارجه بحرین دیدار نمود. در این دیدار دو طرف درخصوص تحولات منطقه صحبت نمودند و هرتزوغ حمد آل خلیفه را فردی شجاع خواند. همچنین هرتزوغ با رؤسای جمهوری آذربایجان و قزاقستان نیز دیدار نمود و در این گفت وگوها در خصوص تحولات منطقه و ارتقاء سطح همکاری ها در زمینه های اقتصادی بحث و تبادل کردند. هرتزوغ در باکو خواستار گسترش دایره صلح شد و تأکید کرد: «صلح نمی تواند با تروریسم و تحریم همزیستی داشته باشد». او توافق نامه های ابراهیم را به عنوان الگویی برای همکاری منطقه ای معرفی کرد که قادر به تغییر واقعیت سیاسی است، و ابراز امیدواری کرد که دایره صلح گسترش یابد تا لبنان، سوریه، غزه و کشورهای دیگر منطقه را در بر گیرد، و همکاری مشترک علیه تروریسم در اشکال مختلف آن صورت گیرد. رئیس دولت تأکید کرد که اسرائیل به دنبال تقویت روابط سیاسی و اقتصادی خود است، اما تأیید کرد که «صلح نمی تواند با تروریسم همزیستی داشته باشد، و همکاری نمی تواند در سایه تحریم شکوفا شود».

۲- The Conference on Interaction and Confidence Building Measures in Asia (CICA)



تاریخ: ۱۵ مهر ۱۴۰۵

منبع: اسرائیل بالعربی

برچسب: رژیم صهیونیستی، توافق ابراهیم، بحرین

تحلیل

نقش محوری هرتزوغ در اجماع سازی، رایزنی، و توافق با کشورهای مختلف جهت عادی سازی بسیار حائز اهمیت است. رژیم صهیونیستی در میان ارکان تصمیم گیر خود تقسیم کاری را داشته است که در این میان نقش هرتزوغ به عنوان متولی پیمان ابراهیم دیده نشده است.



♦ آتش بس با میانجی‌گری آمریکا قرار بود به جنگ غزه پایان دهد؛ حال اما، روند اجرای توافق متوقف شده است

یک سال پس از توافق آتش بس با میانجی‌گری آمریکا، روند اجرای بخش‌های اساسی توافق همچنان با موانع جدی مواجه است. اگرچه این توافق به توقف بخش مهمی از عملیات نظامی گسترده و افزایش دسترسی کمک‌های بشردوستانه انجامید، مسائل اصلی همچون ترتیبات حکمرانی آینده غزه، کاهش حضور نظامی اسرائیل و چگونگی تأمین امنیت منطقه حل و فصل نشده‌اند. در نتیجه، آتش بس به‌تنهایی نتوانسته زمینه لازم را برای گذار به مرحله بازسازی و ثبات پایدار فراهم کند.

یکی از محورهای اصلی بن‌بست، اختلاف درباره خلع سلاح حماس و ترتیب اجرای تعهدات امنیتی است. رژیم صهیونیستی بر تقدم الزامات امنیتی خود تأکید می‌کند و با برخی پیشنهادهای مربوط به مراحل بعدی توافق موافق نیست. در مقابل، طرح مورد حمایت واشنگتن مستلزم حرکت هم‌زمان به سوی ترتیبات امنیتی جدید، شکل‌گیری سازوکار اداره غزه و کاهش تدریجی وضعیت نظامی موجود است. این اختلاف نشان می‌دهد که توافق بر سر اصول کلی، الزاماً به توافق درباره نحوه اجرا منجر نمی‌شود. تداوم تخریب زیرساخت‌ها، کمبود امکانات درمانی و دشواری تأمین سرپناه، بازسازی غزه را به مسئله‌ای فوری تبدیل کرده است. با وجود طرح‌های مطرح شده برای بازسازی و مشارکت بین‌المللی، پیشرفت عملی همچنان محدود گزارش شده است. هرگونه برنامه اقتصادی برای غزه همچون دسترسی امن، ورود تجهیزات و مصالح، تأمین مالی به وجود سازوکار اجرایی قابل اتکا نیاز دارد. تا زمانی که این پیش‌شرط‌ها فراهم نشوند، اعلام برنامه‌های مالی به‌تنهایی نمی‌تواند شرایط زندگی جمعیت غیرنظامی را به‌طور اساسی تغییر دهد. این وضعیت یک مسئله مهم برای سیاست خارجی آمریکا ایجاد می‌کند؛ واشنگتن از یک سو در شکل‌گیری توافق و ارائه طرح سیاسی نقش داشته و از سوی دیگر، برای اجرای آن به همکاری رژیم صهیونیستی وابسته است. هرچه فاصله میان تعهدات اعلام شده و نتایج عملی بیشتر شود، اعتبار میانجی‌گری آمریکا و توانایی آن برای تأثیرگذاری بر متحدانش بیشتر زیر سؤال می‌رود. در عین حال، نباید از این وضعیت نتیجه گرفت که اتحاد راهبردی دو طرف از بین رفته است؛ مسئله اصلی، محدودیت نفوذ سیاسی آمریکا در برابر اختلافات امنیتی و محاسبات داخلی اسرائیل است. توقف بازسازی غزه صرفاً یک مسئله‌ی عمرانی نیست؛ این موضوع بر آینده‌ی ترتیبات امنیتی، مشروعیت بازیگران خارجی، امکان شکل‌گیری اداره سیاسی پایدار و روابط رژیم با دولت‌های منطقه اثر می‌گذارد. اگر روند سیاسی نتواند به بهبود ملموس زندگی مردم منجر شود، فاصله میان وعده‌های دیپلماتیک و واقعیت میدانی بیشتر خواهد شد. از این منظر، ارزیابی موفقیت توافق باید بر شاخص‌های قابل سنجش، مانند میزان ورود کمک‌ها، آغاز پروژه‌های عمرانی، دسترسی درمانی و کاهش ناامنی، متکی باشد.



تاریخ: ۱۷ مهر ۱۴۰۵

منبع: آسوشیتدپرس

برچسب: غزه، آمریکا، اسرائیل

تحلیل

این پرونده محدودیت الگوی سیاست‌گذاری آمریکا در منطقه را برجسته می‌کند؛ قدرت میانجی‌گری و حمایت سیاسی واشنگتن لزوماً به معنای توانایی تحمیل اجرای توافق به متحد نزدیک آن نیست. تداوم وضعیت نامطمئن در غزه می‌تواند هزینه سیاسی و اعتباری رژیم را افزایش دهد و زمینه را برای مطالبه‌گری گسترده‌تر دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی فراهم کند. استمرار این شکاف میان اهداف اعلام‌شده و نتایج میدانی، نشان‌دهنده محدودیت راهبردهای مبتنی بر برتری نظامی و حمایت خارجی است. با این حال، میزان تقویت موقعیت محور مقاومت باید با شواهد مستقل سنجیده شود؛ فرسایش اعتبار آمریکا به‌خودی‌خود معادل افزایش قدرت مادی یا سیاسی همه بازیگران مخالف آن نیست.



کلمبیا پس از احیای روابط دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی، سفارت خود را در قدس اشغالی افتتاح کرد

افتتاح سفارت کلمبیا در اورشلیم در ۱۴ اکتبر، تحول مهمی در روابط فی ما بین محسوب می‌شود. دولت پیشین کلمبیا در سال ۲۰۲۴ روابط دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی را قطع کرده بود. این اقدام در اعتراض به عملیات نظامی غزه انجام شده بود. دولت جدید کلمبیا به ریاست «آبلاردو دلا اسپریا»، احیای روابط با اسرائیل را در اولویت قرار داده و افتتاح سفارت را به عنوان نشانه‌ای از بازگشت مناسبات معرفی کرده است. این تحول نشان می‌دهد که جهت‌گیری دولت‌ها می‌تواند به سرعت بر شبکه روابط دیپلماتیک اسرائیل در آمریکای لاتین تأثیر بگذارد.

اهمیت رابطه کلمبیا و اسرائیل تنها به محل سفارت محدود نیست. دو کشور از سال ۱۹۵۷ روابط دیپلماتیک داشته‌اند و کلمبیا از تجهیزات نظامی ساخت اسرائیل در نیروهای مسلح خود استفاده می‌کند. همچنین، سفیر جدید کلمبیا مأموریت یافته است روابط تجاری و همکاری در حوزه امنیت، اطلاعات، امنیت سایبری و تبادل اطلاعات را تقویت کند. این حوزه‌ها برای رصد راهبردی اهمیت ویژه دارند، زیرا می‌توانند روابط سیاسی را به همکاری‌های فنی و نهادی تبدیل کنند. با این حال، جزئیات قراردادهای تازه، ارزش مالی پروژه‌ها و تعهدات اجرایی باید از اسناد رسمی جداگانه احراز شود.

انتقال سفارت، پیام سیاسی مشخصی درباره رویکرد دولت کلمبیا به مسئله اورشلیم دارد. اسرائیل تمام شهر را پایتخت خود می‌داند، در حالی که فلسطینیان اورشلیم شرقی را پایتخت دولت آینده خود مطالبه می‌کنند. بسیاری از کشورها به دلیل اختلاف بر سر وضعیت نهایی شهر، سفارتخانه‌های خود را در تل‌آویو نگه داشته‌اند. بنابراین، تصمیم کلمبیا می‌تواند برای دولت اسرائیل اهمیت نمادین و دیپلماتیک داشته باشد؛ اما نباید آن را معادل پذیرش این موضع از سوی همه کشورهای آمریکای لاتین تلقی کرد.

احیای روابط در دوره ریاست جمهوری دلا اسپریا و در شرایط حمایت دونالد ترامپ از دولت جدید کلمبیا رخ داده است. این هم‌زمانی زمینه بررسی نقش روابط واشنگتن و بوگوتا در بازآرایی مناسبات کلمبیا با اسرائیل را فراهم می‌کند. با این حال، صرف هم‌زمانی سیاسی برای اثبات اینکه آمریکا مستقیماً عامل تصمیم انتقال سفارت بوده، کافی نیست. برای ارزیابی دقیق‌تر باید دید آیا در توافق‌های دوجانبه آمریکا و کلمبیا، همکاری‌های امنیتی مشترک یا دیدارهای رسمی، موضوع روابط با اسرائیل به طور مستقیم مطرح شده است یا خیر.



این تحول می‌تواند برای اسرائیل در گسترش دوباره روابط با دولت‌های متمایل به همکاری امنیتی و فناوری در آمریکای لاتین اهمیت داشته باشد. در عین حال، تغییر دولت در یک کشور، جهت‌گیری همه منطقه را تعیین نمی‌کند. برزیل، مکزیک، شیلی، آرژانتین و دیگر کشورهای منطقه دارای منافع و محاسبات داخلی متفاوتی هستند. معیار واقعی موفقیت این نزدیکی، استمرار روابط، انعقاد توافق‌های اجرایی و شکل‌گیری همکاری‌های اقتصادی و امنیتی قابل اندازه‌گیری خواهد بود.



تاریخ: ۲۲ مهر ۱۴۰۵

منبع: آسوشیتدپرس

برچسب: اسفارت، اورشلیم، کلمبیا

تحلیل

احیای روابط کلمبیا نشان می‌دهد که فشارهای دیپلماتیک بر رژیم یک‌دست و برگشت‌ناپذیر نیستند و تغییر دولت‌ها می‌تواند فرصت‌های تازه‌ای برای تل‌آویو ایجاد کند. در عین حال، گسترش همکاری‌های امنیتی و فناورانه باید از منظر شفافیت قراردادها، نظارت قانونی و پیامدهای احتمالی حقوق بشری نیز بررسی شود؛ پیوند میان همسویی سیاسی، همکاری امنیتی و تصمیم‌های نمادین دیپلماتیک می‌تواند به بازسازی ائتلاف‌های راهبردی کمک کند. برای محور مقاومت، این پرونده اهمیت رصد تفاوت میان موضع دولت‌ها و نگرش افکار عمومی و نهادهای مدنی را برجسته می‌کند؛ زیرا تغییر دولت به تنهایی به معنای تغییر پایدار دیدگاه اجتماعی در قبال مسئله فلسطین نیست.



◆ آرژانتین تفاهم نامه دفاعی با رژیم صهیونیستی امضا کرد و روابط راهبردی را تعمیق بخشید

آرژانتین در تازه ترین گام برای گسترش همکاری های دفاعی با اسرائیل، در ۸ اکتبر ۲۰۲۶ تفاهم نامه ای میان نهادهای دفاعی دو طرف امضا کرد. این توافق در «بوئنوس آیرس» و با حضور «کارلوس آلبرتو پرستی»، مقام ارشد نظامی آرژانتین، و «آهووا اشپیلر رشف»، سفیر رژیم صهیونیستی در این کشور، انجام شد. وزارت دفاع آرژانتین اعلام کرده است که توافق پس از چند ماه مذاکره حاصل شده و در چارچوب سیاست دولت خاویر میلی برای تقویت روابط راهبردی با اسرائیل قرار می گیرد. محتوای اعلام شده تفاهم نامه بر گسترش همکاری و تبادل در حوزه دفاع، تجهیزات نظامی، فناوری، نوآوری و توسعه متمرکز است. از منظر عملی، چنین چارچوبی می تواند مسیر گفت وگوهای بعدی درباره نوسازی نیروهای مسلح، آموزش، پشتیبانی فنی و خرید تجهیزات را هموار کند؛ با این حال، امضای تفاهم نامه به خودی خود به معنای نهایی شدن قراردادهای تسلیحاتی تازه یا خرید سامانه مشخصی نیست. برای ارزیابی میزان تعهدات واقعی باید قراردادهای اجرایی، مبالغ، جدول تحویل و جزئیات فنی منتشر شده در مراحل بعدی بررسی شود.

این توافق در خلأ شکل نگرفته است. پیش از آن، آرژانتین در چارچوب توافق دولت به دولت با مشارکت وزارت دفاع اسرائیل، تفنگ های تهاجمی «ARAD۵» و «ARAD۷» ساخت شرکت اسرائیلی IWI را برای نیروهای مسلح خود انتخاب کرده بود. وزارت دفاع رژیم در اطلاعیه ای مربوط به این قرارداد، صادرات دفاعی را یکی از ابزارهای تقویت صنعت تسلیحاتی و اقتصاد اسرائیل معرفی کرده است. بنابراین، تفاهم نامه جدید را می توان بخشی از روندی گسترده تر دانست که از رابطه سیاسی به همکاری نظامی و پیوندهای صنعتی - دفاعی نیز امتداد پیدا می کند.



تاریخ: ۱۸ مهر ۱۴۰۵

منبع: اورینوکو تریبون

برچسب: آرژانتین، اسرائیل، روابط راهبردی

تحلیل

گسترش همکاری دفاعی آرژانتین و اسرائیل را می توان در چارچوب تلاش دولت میلی برای هم راستایی بیشتر با رژیم و شرکای غربی اش تحلیل کرد. این نزدیکی ممکن است در کوتاه مدت به نوسازی بخشی از توان نظامی آرژانتین کمک کند، اما در عین حال پرسش هایی درباره هزینه های خرید و نگهداری، وابستگی بلندمدت به تأمین کننده خارجی، انتقال فناوری و میزان شفافیت قراردادهای ایجاد می کند. در سطح منطقه ای نیز چنین توافق هایی می توانند اختلاف میان دولت های آمریکای لاتین درباره رابطه با اسرائیل را پررنگ تر کنند؛ به ویژه میان دولت هایی که همکاری امنیتی با تل آویو را اولویت می دهند و جریان هایی که بر پیامدهای جنگ غزه و مسئولیت های حقوقی و انسانی رژیم تأکید دارند. با این حال، از خود تفاهم نامه نمی توان نتیجه گرفت که آرژانتین به مشارکت مستقیم در عملیات نظامی رژیم متعهد شده است؛ چنین ادعایی به شواهد جداگانه نیاز دارد.

از زاویه فرصت های راهبردی برای مخالفان سیاست های رژیم و آمریکا، تعمیق این همکاری می تواند به موضوعی برای نقد سیاسی در آمریکای لاتین تبدیل شود؛ از جمله مطالبه شفافیت در قراردادهای دفاعی، بررسی هزینه فرصت بودجه نظامی و بحث درباره پیوند میان صادرات تسلیحات و تحولات منطقه؛ این ظرفیت سیاسی، به ویژه در کشورهایی که افکار عمومی درباره جنگ غزه و سیاست خارجی آمریکا دچار شکاف است، می تواند فضای بیشتری برای طرح انتقاد از سیاست های واشنگتن و تل آویو ایجاد کند. با این حال، تبدیل این نارضایتی ها به تغییر ملموس در سیاست خارجی آرژانتین قطعی نیست و به شرایط داخلی، موازنه سیاسی و منافع اقتصادی و امنیتی دولت این کشور بستگی دارد.



انتخابات رژیم صهیونیستی در حال بازترسیم نقشه دیپلماتیک آمریکای لاتین است؛ چگونه؟

انتخابات پارلمانی رژیم صهیونیستی که قرار است در ۲۷ اکتبر ۲۰۲۶ برگزار شود، صرفاً رقابتی داخلی برای تعیین ترکیب دولت آینده این رژیم نیست؛ بلکه نتیجه آن می‌تواند بر روند گسترش روابط اسرائیل با دولت‌های آمریکای لاتین نیز تأثیر بگذارد. در سال ۲۰۲۶، شماری از دولت‌های منطقه به سمت احیای روابط یا گسترش همکاری با تل‌آویو حرکت کرده‌اند؛ روندی که با تغییر گرایش سیاسی دولت‌ها، اولویت‌های امنیتی و محاسبات مربوط به روابط با واشنگتن پیوند دارد. مسئله اصلی برای دولت‌های منطقه این است که آیا تغییر دولت در رژیم صهیونیستی، چارچوب همکاری‌های تازه را تقویت می‌کند یا به دلیل اختلافات سیاسی و تحولات جنگ غزه، سرعت آن را کاهش می‌دهد.

یکی از محورهای اصلی این روند، ابتکار موسوم به «توافق‌های اسحاق» (Isaac Accords) است که گزارش از امضای آن میان خاویر میلی، رئیس‌جمهور آرژانتین، و بنیامین نتانیاهو در آوریل ۲۰۲۶ خبر می‌دهد. این چارچوب با الگوبرداری از توافق‌های ابراهیم، با هدف گسترش همکاری اسرائیل با دولت‌های آمریکای لاتین در حوزه‌هایی مانند امنیت، تجارت و فناوری معرفی شده است. گزارش از مشارکت اولیه اروگوئه، پاناما و کاستاریکا در برنامه‌های مرتبط و احتمال پیوستن اکوادور و پاراگوئه سخن می‌گوید. در صورت عملیاتی شدن این چارچوب، اسرائیل می‌تواند از روابط دوجانبه پراکنده به سمت شبکه‌ای گسترده‌تر از همکاری‌های سیاسی و اقتصادی در نیم‌کره غربی حرکت کند؛ البته میزان تعهد رسمی هر کشور و سازوکار اجرایی این ابتکار باید جداگانه بررسی شود. آرژانتین در این معادله جایگاهی محوری دارد. دولت میلی از تقویت مناسبات با اسرائیل حمایت کرده و وعده انتقال سفارت آرژانتین از منطقه هرتزلیا به اورشلیم را مطرح کرده است؛ اقدامی که در صورت اجرا، از نظر دیپلماتیک پیام سیاسی مهمی خواهد داشت، زیرا وضعیت اورشلیم یکی از موضوعات مناقشه‌برانگیز در روابط اسرائیل و فلسطین است. گزارش همچنین به نقش آرژانتین در پیشبرد ابتکار منطقه‌ای و استفاده از روابط سیاسی برای گسترش همکاری‌های دفاعی، تجاری و فناورانه اشاره می‌کند. این جهت‌گیری با گزارش‌های مربوط به گسترش همکاری دفاعی آرژانتین و اسرائیل هم‌راست است، اما باید میان تعهدات سیاسی، تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای اجرایی تفاوت قائل شد.

در کنار آرژانتین، تغییر روابط اسرائیل با ونزوئلا و کلمبیا از دیگر نشانه‌های مهم تحولات منطقه‌ای معرفی شده است. گزارش می‌گوید ونزوئلا و اسرائیل در اوت ۲۰۲۶ روابط کنسولی خود را از سر گرفتند؛ اقدامی که پس از سال‌ها قطع روابط و در بستر تغییرات سیاسی ونزوئلا صورت گرفته است. در مورد کلمبیا نیز، پس از قطع روابط دیپلماتیک در دوره ریاست جمهوری گوستاوو پترو، دولت جدید به سمت احیای روابط با اسرائیل حرکت کرده است. بازگشت این دو کشور به



مسیر تعامل با تل آویو، در صورت تثبیت، می تواند بخشی از روند بازآرایی روابط منطقه ای باشد؛ هرچند احیای روابط دیپلماتیک لزوماً به معنای توافق کامل بر سر جنگ غزه، مسئله فلسطین یا سیاست های منطقه ای اسرائیل نیست. گزارش همچنین بر اهمیت پیوندهای سیاسی در ایالات متحده، به ویژه در جنوب فلوریدا، تأکید دارد. جوامع مهاجر کوبایی، ونزوئلایی و آرژانتینی تبار در این منطقه با تحولات آمریکای لاتین و سیاست واشنگتن در قبال اسرائیل ارتباط سیاسی و اجتماعی دارند. از این منظر، انتخابات اسرائیل می تواند در کنار انتخابات میان دوره ای آمریکا و تحولات سیاسی کشورهای منطقه، بر بحث های داخلی درباره سیاست خارجی، امنیت، مهاجرت و روابط با دولت های آمریکای لاتین اثر بگذارد. با این حال، تأثیر مستقیم نتیجه انتخابات اسرائیل بر رفتار رأی دهندگان آمریکایی یا سیاست دولت واشنگتن را نباید قطعی دانست؛ این رابطه به عوامل متعدد داخلی و بین المللی وابسته است.

منبع: لاتین تایمز

تاریخ: ۱۶ مهر ۱۴۰۵

برچسب: آمریکای لاتین، اسرائیل، انتخابات



تحلیل

روند توصیف شده در گزارش را می توان تلاشی برای ایجاد یک بلوک دیپلماتیک همسو با رژیم در بخشی از آمریکای لاتین دانست؛ بلوکی که پیوندهای امنیتی، فناوری و تجارت را با هم گرایی سیاسی ترکیب می کند. این روند ممکن است برای رژیم در شرایط افزایش انتقادهای بین المللی، مزیت هایی مانند گسترش شرکای دیپلماتیک، دسترسی به بازارهای جدید و کاهش نسبی اتکا به متحدان سنتی فراهم کند. بااین حال، تغییر دولت ها در آمریکای لاتین می تواند همین روند را معکوس کند؛ به ویژه اگر همکاری با رژیم به موضوعی مناقشه برانگیز در سیاست داخلی یا انتخابات تبدیل شود.

از سوی دیگر، گسترش همکاری های رژیم با دولت های همسو، لزوماً به معنای پایان انزوای دیپلماتیک این کشور نیست. روابط نزدیک با چند دولت منطقه ای باید در کنار مواضع کشورهای منتقد، اختلافات درباره جنگ غزه، مسئله فلسطین و موضع گیری های نهادهای بین المللی ارزیابی شود. برای منتقدان سیاست های رژیم و آمریکا، این تحولات فرصتی برای برجسته کردن تناقض های احتمالی میان منافع اقتصادی و امنیتی دولت ها از یک سو و تعهدات حقوق بشری و مواضع اعلام شده آنان از سوی دیگر فراهم می کند. اما تبدیل این انتقادات به تغییر پایدار در سیاست خارجی دولت های منطقه، به سازمان یافتگی سیاسی، افکار عمومی و منافع اقتصادی هر کشور بستگی دارد.

نکته مهم دیگر، نقش انتخابات رژیم در این معادله است. تغییر نخست وزیر یا ترکیب ائتلاف حاکم می تواند بر سبک دیپلماسی و ظرفیت مذاکره با دولت های منطقه اثر بگذارد، ولی به تنهایی تضمین نمی کند که سیاست امنیتی رژیم، موضع آن درباره فلسطین یا جهت گیری کلی همکاری های دفاعی دگرگون شود. بنابراین، ارزیابی پیامدهای انتخابات باید علاوه بر نتیجه رأی گیری، بر ترکیب ائتلاف آینده، مواضع رسمی دولت جدید و میزان اجرای توافق های منطقه ای متمرکز باشد.



انگلستان دامنه تحریم ها علیه حامیان شهرک سازی رژیم صهیونیستی را گسترش می دهد

دولت انگلیس در ۱۴ اکتبر ۲۰۲۶ از گسترش اختیارات تحریمی خود خبر داد؛ اقدامی که امکان مسدود کردن دارایی ها، اعمال محدودیت های مالی و ممنوعیت سفر علیه اشخاص و نهادهای تسهیل کننده شهرک سازی غیرقانونی رژیم صهیونیستی در کرانه باختری، ممانعت از کمک های بشردوستانه و برخی نقض های جدی حقوق بشردوستانه را فراهم می کند. دامنه ی این اختیارات علاوه بر عاملان مستقیم، می تواند تأمین کنندگان مالی، شرکت ها و دیگر حامیان واجد شرایط را نیز دربر بگیرد. این سازوکار از ۱۵ اکتبر وارد مرحله ی اجرا شده، اما برای تداوم آن تأیید پارلمان انگلیس لازم است. لندن اعلام کرده است که هدف، جلوگیری از حمایت اقتصادی از گسترش شهرک ها است و تجارت با اسرائیل در محدوده مرزهای به رسمیت شناخته شده آن را از فعالیت های مرتبط با شهرک ها تفکیک می کند.



تاریخ: ۲۲ مهر ۱۴۰۵

منبع: گاردین

برچسب: انگلیس، تحریم، رژیم صهیونیستی، کرانه باختری، شهرک سازی

تحلیل

این تصمیم را می توان نشانه ای از تشدید فاصله سیاسی و حقوقی میان انگلیس و اسرائیل دانست. اهمیت اقدام لندن صرفاً در امکان تحریم چند فرد یا شرکت نیست؛ انگلستان در پی آن است که هزینه های اقتصادی و حقوقی مشارکت در گسترش شهرک ها را افزایش دهد و دامنه مسئولیت را از عاملان مستقیم به شبکه های تأمین مالی و پشتیبانی گسترش دهد. چنین رویکردی می تواند بر تصمیم شرکت ها، مؤسسات مالی و سرمایه گذاران فعال در کرانه باختری اثر بگذارد و شهرک سازی را از موضوعی صرفاً سیاسی به مسئله ای مرتبط با ریسک تجاری و رعایت مقررات تبدیل کند. اختلاف با لندن به حوزه عملی سیاست خارجی و ابزارهای اقتصادی کشیده شده است؛ به ویژه آنکه روابط انگلیس و رژیم صهیونیستی پیش تر نیز بر سر محدودیت های صادرات تسلیحات، تحریم برخی چهره های اسرائیلی و موضع لندن درباره به رسمیت شناختن دولت فلسطین با تنش روبه رو شده بود. واکنش متقابل اسرائیل، از جمله تعطیلی کنسولگری انگلیس در قدس و کاهش حضور دیپلماتیک این کشور، نشان می دهد اختلاف از سطح بیانیه های انتقادی فراتر رفته و بر روابط دوجانبه اثر گذاشته است.



◆ شهر سومرویل آمریکا در آستانه تصویب طرح قطع همکاری مالی با شرکت‌های مرتبط با رژیم صهیونیست

شورای شهر سومرویل^۱ در ایالت ماساچوست آمریکا در حال بررسی طرحی است که در صورت تصویب، سرمایه‌گذاری شهرداری و انعقاد قراردادهای آن با شرکت‌های متهم به مشارکت در نقض حقوق بین‌الملل، از جمله در ارتباط با رژیم صهیونیستی و سرزمین‌های فلسطینی، را محدود خواهد کرد. این طرح پس از آن مطرح شد که در نوامبر ۲۰۲۵، حدود ۵۵٫۷ درصد رأی‌دهندگان سومرویل از یک پیشنهاد غیرالزام‌آور برای قطع روابط مالی با شرکت‌های مرتبط با آنچه در متن پیشنهاد «آپارتاید، نسل‌کشی و اشغال غیرقانونی فلسطین» خوانده شده بود، حمایت کردند. تصمیم‌گیری درباره مصوبه اجرایی به دلیل اختلاف بر سر دامنه شمول و هزینه‌های احتمالی به تعویق افتاده و رأی‌گیری برای ۲۷ اکتبر ۲۰۲۶ پیش‌بینی شده است. فعالان حامی فلسطین به سرمایه‌گذاری بیش از ۵۰۰ هزار دلاری صندوق بازنشستگی شهر در شرکت تسلیحاتی لاکهید مارتین و قراردادهای بیش از ۱٫۷ میلیون دلاری شهرداری با اچ‌پی اشاره کرده‌اند.

۱-somerville



منبع: عرب نیوز

تاریخ: ۲۳ مهر ۱۴۰۵

برچسب: آمریکا، تحریم، سامرویل، لاکهید مارتین، اچ پی

تحلیل

اهمیت این رویداد در آن است که کارزارهای تحریم اسرائیل در آمریکا از سطح اعتراضات خیابانی و دانشگاهی به سمت تصمیم‌گیری درباره منابع مالی و قراردادهای نهادهای عمومی حرکت می‌کنند. در صورت تصویب مصوبه سومرویل، شهرداری می‌تواند در انتخاب پیمانکاران، سرمایه‌گذاری منابع بازنشستگی و خرید خدمات، معیارهایی مرتبط با حقوق بشر و مشارکت شرکت‌ها در فعالیت‌های مورد مناقشه اعمال کند. چنین سیاستی، به‌ویژه اگر شرکت‌های بزرگ تسلیحاتی، فناوری و زیرساختی را دربر بگیرد، می‌تواند هزینه‌های اعتباری و حقوقی همکاری با طرف‌های مرتبط با اسرائیل را افزایش دهد. بااین‌حال، اثر اقتصادی مستقیم یک شهرداری به‌تنهایی احتمالاً محدود است؛ اهمیت گسترده‌تر آن در ایجاد الگویی برای سایر شهرها و تبدیل مطالبه سیاسی به مقررات اجرایی در سطح محلی است. تجربه شهرهای دیگر آمریکا نشان می‌دهد که این مسیر با موانع حقوقی، اختلافات سیاسی و فشار گروه‌های مخالف نیز روبه‌روست. سومرویل نمونه‌ای از گسترش مناقشه بر سر روابط اقتصادی با اسرائیل به درون ساختارهای حکمرانی محلی آمریکا است؛ کشوری که حمایت سیاسی و نظامی آن برای تل‌آویو اهمیت ویژه دارد. اگر چنین مصوبه‌هایی در شهرهای بیشتری تصویب و در عمل اجرا شوند، فشار از سطح دولت فدرال فراتر می‌رود و به صندوق‌های بازنشستگی، قراردادهای عمومی و تصمیم‌های خرید نهادهای محلی نیز می‌رسد. این روند می‌تواند بر محیط فعالیت شرکت‌هایی که با «دولت» یا صنایع دفاعی اسرائیل همکاری دارند اثر بگذارد و بحث درباره مسئولیت اقتصادی شرکت‌ها را پرنرنگ‌تر کند.



♦ اعتراض دانشگاهیان یونان به گسترش همکاری های علمی با رژیم صهیونیستی

در ۱۲ اکتبر ۲۰۲۶، تشکل دانشگاهی «همگرایی دانشگاهیان» در یونان به سفر هیئتی از وزارت آموزش این کشور به اورشلیم (قدس)، در فاصله ۱۳ تا ۱۵ اکتبر، اعتراض کرد و از دانشگاه های یونان خواست همکاری های علمی و پژوهشی با مؤسسات صهیونیستی را رد کنند. بر اساس گزارش رسانه ی یونانی Dnews، اعتراض ها پس از آن شدت گرفت که دانشگاه های یونان در ۲۸ سپتامبر نامه ای از وزارت آموزش دریافت کردند که در آن، به دعوت وزارت همکاری منطقه ای اسرائیل برای توسعه روابط دانشگاهی و پژوهشی اشاره شده بود. به گفته این تشکل، سفارت یونان در اسرائیل نیز از گسترش همکاری با دانشگاه های اسرائیلی حمایت کرده است. معترضان معتقدند این همکاری ها در شرایط جنگ غزه به عادی سازی سیاست های اسرائیل کمک می کند.

منبع: دی نیوز یونان

تاریخ: ۲۰ مهر ۱۴۰۵

برچسب: یونان، همگرایی دانشگاهیان، قطع همکاری، تحریم

تحلیل

این خبر نشانه ای از گسترش کارزار تحریم به حوزه دانشگاهی در یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا است. اگر فراخوان تشکل های دانشگاهی به تصمیم های مستقل دانشگاه ها، توقف پروژه های مشترک یا کاهش تبادل علمی منجر شود، می تواند هزینه اعتباری و نهادی همکاری با مؤسسات اسرائیلی را افزایش دهد؛ به ویژه در حوزه هایی که پژوهش به شبکه های بین المللی و تأمین مالی مشترک وابسته است.



♦ اعتراض در مراکش به استفاده از رویدادهای فرهنگی برای گسترش عادی سازی روابط با اسرائیل

در اکتبر ۲۰۲۶، «کارزار مراکشی تحریم دانشگاهی و فرهنگی اسرائیل» به برگزاری سومین دوره جشنواره «دیدارهای استرو و سلمی» از ۸ تا ۱۱ اکتبر اعتراض کرد و خواستار لغو این رویداد یا کناره گیری فوری هنرمندان و شرکت کنندگان شد. این کارزار حضور و تجلیل از چهره هایی را که آن ها مرتبط با صهیونیسم می دانند، تلاشی برای عادی سازی فرهنگی روابط با اسرائیل توصیف کرد. اعتراض ها در شرایطی مطرح شده است که دولت مراکش در سپتامبر ۲۰۲۶ از ارتقای روابط دیپلماتیک با اسرائیل و حرکت به سوی افتتاح سفارتخانه ها و تعیین سفیر خبر داده بود.



تاریخ: ۱۸ مهر ۱۴۰۵

منبع: africanews

برچسب: مراکش، دانشگاه، قطع همکاری، تحریم

تحلیل

این خبر نشان دهنده شکاف میان مسیر دیپلماتیک دولت و مخالفت بخشی از جامعه مدنی و فرهنگی این کشور با عادی سازی است. درحالی که دولت مراکش در پی ارتقای روابط رسمی با اسرائیل است، کارزارهای اعتراضی تلاش می کنند هزینه اجتماعی و اعتباری این همکاری ها را افزایش دهند و مانع گسترش آن به حوزه های دانشگاهی و فرهنگی شوند. اگر این اعتراض ها به کناره گیری هنرمندان، لغو برنامه های مشترک یا تصمیم مؤسسات فرهنگی برای توقف همکاری منجر شوند، می توانند دامنه روابط غیررسمی اسرائیل را محدود کنند.



از فوتبال تا یوروویژن؛ گسترش کارزارهای محروم سازی رژیم صهیونیستی از عرصه های بین المللی

روزنامه «جروزالم پست» در تحلیلی به قلم «اندرو فاکس»، افسر پیشین ارتش انگلیس و پژوهشگر ارشد اندیشکده هنری جکسون، در ۱۳ اکتبر ۲۰۲۶ نوشت که تلاش ها برای کنار گذاشتن اسرائیل از رویدادهای ورزشی و فرهنگی اروپا در حال گسترش است. این تحلیل به انتقال دیدار خانگی ایرلند و رژیم صهیونیستی به صربستان و برگزاری آن پشت درهای بسته در ۴ اکتبر، محرومیت هواداران مکابی تل آویو از حضور در دیدار مقابل استون ویلا و فشارها بر حضور اسرائیل در مسابقه یوروویژن اشاره می کند. نویسنده استدلال می کند که دامنه این فشارها از ورزش فراتر رفته و عرصه های فرهنگی و تجاری را نیز دربر گرفته است. نویسنده همچنین به محدودیت های سیاسی و دیپلماتیک در روابط اسرائیل با برخی کشورهای اروپایی اشاره می کند و استدلال دارد که برخورداری اسرائیل از ظرفیت های نظامی، فناوری و اطلاعاتی، لزوماً مانع گسترش فشارهای سیاسی و اجتماعی علیه آن نمی شود. گزارش در مجموع بر این موضوع تمرکز دارد که مناقشه بر سر حضور اسرائیل در رویدادهای بین المللی، دیگر صرفاً به عرصه دیپلماسی محدود نیست و حوزه های ورزش، فرهنگ و روابط عمومی را نیز دربر گرفته است.



تاریخ: ۲۱ مهر ۱۴۰۵

منبع: اورشلیم پست

برچسب: انزوا، ورزش، ایرلند، انگلستان



تحلیل

این روند صرفاً در لغو یک مسابقه یا کناره‌گیری یک شبکه تلویزیونی نیست؛ مسئله اصلی آن است که حضور اسرائیل در رویدادهای بین‌المللی به موضوعی مناقشه‌برانگیز تبدیل می‌شود و برگزارکنندگان، حامیان مالی و نهادهای فرهنگی ناچار می‌شوند هزینه‌های سیاسی و اجتماعی همکاری با آن را محاسبه کنند. ورزش و فرهنگ به دلیل دسترسی گسترده به افکار عمومی، می‌توانند بر تصویری که از مشروعیت و پذیرش بین‌المللی اسرائیل شکل می‌گیرد تأثیر بگذارند. در صورت تداوم این روند، حتی بدون قطع روابط دیپلماتیک، حفظ حضور اسرائیل در برخی برنامه‌ها ممکن است دشوارتر و پرهزینه‌تر شود. نکته مهم مقاله، اذعان به این واقعیت است که برخورداری اسرائیل از فناوری پیشرفته، محصولات دفاعی و ظرفیت‌های اطلاعاتی لزوماً به حمایت سیاسی دولت‌های شریک منجر نمی‌شود. نویسندگان برای نمونه به انگلیس اشاره می‌کند؛ کشوری که در کنار تداوم برخی همکاری‌های دفاعی با اسرائیل، مذاکرات توافق تجارت آزاد را در سال ۲۰۲۵ متوقف کرد و محدودیت‌هایی نیز در ارتباط با شهرک‌سازی اعمال کرده است. این وضعیت نشان می‌دهد که روابط اقتصادی و امنیتی می‌توانند ادامه یابند، درحالی‌که روابط سیاسی و وجهه عمومی رژیم صهیونیستی تضعیف می‌شوند.



خروج هیئت‌های چندین کشور از سالن، هنگام سخنرانی رییس جمهور رژیم صهیونیست در اجلاس باکو

در ۱۵ اکتبر ۲۰۲۶، هم‌زمان با آغاز سخنرانی اسحاق هرتزوغ، رئیس‌جمهور اسرائیل، در هفتمین اجلاس کنفرانس تعامل و اقدامات اعتمادساز در آسیا (CICA) در باکو، نمایندگان بیش از ۱۰ کشور سالن اجلاس را ترک کردند. بر اساس گزارش خبرگزاری آناتولی و روزنامه جروزالم پست، هیئت‌های ایران، ترکیه، پاکستان، کویت و تشکیلات خودگردان فلسطین در میان خروج‌کنندگان بودند. هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه، نیز همراه هیئت این کشور سالن را ترک کرد. در مقابل، امیر قطر در سالن باقی ماند و به سخنان هرتزوغ گوش داد؛ نمایندگان بحرین و امارات نیز در جلسه حضور داشتند. فیدان در سخنان خود در اجلاس خواستار موضع‌گیری قاطع اعضای CICA در حمایت از حقوق فلسطینیان شد و گفت نمی‌توان از تعهد به همکاری منطقه‌ای سخن گفت، درحالی‌که حقوق اساسی فلسطینیان نقض می‌شود. هیئت ایرانی به ریاست کاظم غریب‌آبادی، معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزیر امور خارجه، در این اقدام مشارکت داشت. غریب‌آبادی در سخنرانی خود در اجلاس، حملات نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران، نقض حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها، تداوم اشغال سرزمین‌های فلسطینی و افزایش تنش‌ها در لبنان و سوریه را از عوامل بی‌ثباتی منطقه‌ای دانست. او با انتقاد از آنچه مصونیت اسرائیل از پاسخ‌گویی در برابر اقدامات نظامی و نقض حقوق بین‌الملل خواند، بر ضرورت حفاظت از غیرنظامیان و پیگیری مسئولیت حقوقی در سازوکارهای بین‌المللی تأکید کرد. غریب‌آبادی همچنین خواستار اخراج اسرائیل از سازوکار CICA شد. وی استدلال کرد که نمی‌توان از امنیت پایدار در آسیا سخن گفت، درحالی‌که اشغال، تجاوز نظامی و نقض حقوق ملت فلسطین نادیده گرفته می‌شود.



تاریخ: ۲۳ مهر ۱۴۰۵

منبع: اورشلیم پست

برچسب: CICA، ترکیه، ایران، هاکان فیدان

تحلیل

این رویداد را باید در کنار دیگر نشانه‌های افزایش فشار سیاسی بر اسرائیل ارزیابی کرد؛ از جمله خروج هیئت‌ها هنگام سخنرانی بنیامین نتانیا‌هو در مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۲۶. تکرار چنین صحنه‌هایی می‌تواند نشان دهد که مخالفت با سیاست‌های اسرائیل در غزه و مسئله فلسطین، به بخشی از رفتار علنی برخی دولت‌ها در مجامع بین‌المللی تبدیل شده است.



چین در دیدار با هرتزوغ خواستار توقف شهرک سازی رژیم صهیونیستی در کرانه باختری شد

خبرگزاری رویترز در ۱۶ اکتبر ۲۰۲۶ گزارش داد که وانگ یی، وزیر امور خارجه چین، در دیداری با اسحاق هرتزوغ، رئیس جمهور رژیم صهیونیستی، در حاشیه اجلاس CICA در باکو، از اسرائیل خواسته است ایجاد شهرک ها در کرانه باختری را متوقف کند و اقدامات مربوط به آن را به عقب بازگرداند. وزارت امور خارجه چین در بیانیه خود، مسئله فلسطین را «بزرگ ترین بی عدالتی تاریخی این قرن» توصیف کرد و راه حل «دو دولتی» را مسیر درست حل مناقشه دانست. وانگ همچنین بر ضرورت بازگشایی کامل دسترسی به نوار غزه برای جلوگیری از تشدید فاجعه انسانی تأکید کرد و گفت پکن آماده همکاری با جامعه بین المللی برای بازگرداندن طرف ها به گفت و گو و دستیابی به راه حل سیاسی است. این دیدار در حالی انجام شد که هرتزوغ در پیامی اعلام کرده بود گفت و گوها بر روابط دوجانبه چین و اسرائیل و وضعیت غرب آسیا متمرکز بوده است؛ با این حال، دفتر رئیس جمهور اسرائیل درباره جزئیات مربوط به شهرک سازی و مسئله فلسطین اظهار نظر نکرد.



تاریخ: ۲۴ مهر ۱۴۰۵

منبع: رویترز

برچسب: چین، کرانه باختری، هرتزوغ، شهرک سازی، وانگ یی

تحلیل

موضع گیری چین اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا انتقاد از سیاست شهرک سازی اسرائیل را نه فقط کشورهای منطقه و دولت های غربی، بلکه یکی از قدرت های بزرگ و اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل نیز در سطح دیپلماتیک مطرح می کند. تأکید وانگ یی بر توقف و بازگرداندن روند شهرک سازی، در کنار حمایت از راه حل «دو دولتی» و بازگشایی دسترسی به غزه، نشان می دهد که پکن مسئله فلسطین را به عنوان یکی از محورهای اصلی موضع گیری خود درباره نظم منطقه ای دنبال می کند. طرح مستقیم این مطالب در دیدار با رئیس جمهور اسرائیل نیز به این موضع گیری وزن دیپلماتیک بیشتری می دهد.



دیده بان: تحلیل کلی وقایع منطقه

تحولات هفته جاری، بیانگر تداوم تحرکات رژیم صهیونیستی برای گسترش روابط خارجی و تقویت جایگاه خود در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی است. در این چارچوب، تل‌آویو از یک سو در صدد تعمیق روابط با کشورهای غرب آسیا است که پیش‌تر به پیمان ابراهیم پیوسته‌اند و از سوی دیگر، با بهره‌گیری از تحولات سیاسی و تغییرات صورت‌گرفته در دولت‌های برخی کشورهای آمریکای لاتین، به دنبال گسترش دامنه روابط دیپلماتیک و تقویت مناسبات دوجانبه خود با این کشورهاست. این رویکرد را می‌توان بخشی از تلاش گسترده‌تر رژیم صهیونیستی برای توسعه شبکه روابط خارجی، افزایش ظرفیت‌های همکاری سیاسی و اقتصادی و تقویت موقعیت بین‌المللی خود ارزیابی کرد. در سطح منطقه‌ای، تعمیق روابط با کشورهای پیوسته به پیمان ابراهیم صرفاً به توسعه همکاری‌های دوجانبه محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز گسترش همکاری‌ها در حوزه‌های اقتصادی، فناوری، امنیتی و دیپلماتیک نیز باشد. از این منظر، حفظ پویایی پیمان ابراهیم و توسعه دامنه همکاری‌های ناشی از آن، برای تل‌آویو اهمیت راهبردی دارد؛ زیرا این روند می‌تواند به تثبیت روابطی منجر شود که پیش‌تر با محدودیت‌های سیاسی و حساسیت‌های افکار عمومی منطقه مواجه بودند. با این حال، تداوم این روند به عوامل متعددی، از جمله تحولات فلسطین، ملاحظات امنیتی کشورهای عربی و میزان پذیرش اجتماعی عادی‌سازی روابط وابسته است. در آمریکای لاتین نیز تحولات سیاسی و تغییر جهت‌گیری برخی دولت‌ها می‌تواند فرصت‌هایی تازه برای گسترش روابط رژیم صهیونیستی فراهم کند. تل‌آویو با توسعه مناسبات دیپلماتیک و پیگیری همکاری‌های اقتصادی و فناورانه، می‌کوشد ضمن تقویت حضور خود در این منطقه، از ظرفیت‌های سیاسی دولت‌های همسو برای گسترش همکاری‌ها در مجامع بین‌المللی بهره‌برداری کند. البته نباید تغییرات سیاسی در این کشورها را لزوماً به معنای همگرایی پایدار با رژیم صهیونیستی دانست؛ زیرا سیاست خارجی دولت‌های آمریکای لاتین، علاوه بر جهت‌گیری رهبران سیاسی، از ملاحظات داخلی، افکار عمومی و تحولات مرتبط با مسئله فلسطین نیز تأثیر می‌پذیرد. با وجود این، یکی از ابعاد قابل‌توجه این تحرکات، تلاش رژیم صهیونیستی برای گفتمان‌سازی در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی است. تل‌آویو می‌کوشد پیمان ابراهیم را نه صرفاً به‌عنوان مجموعه‌ای از توافقات دوجانبه برای عادی‌سازی روابط، بلکه به‌مثابه الگویی برای صلح، همکاری و همگرایی



منطقه‌ای معرفی کند. چنین رویکردی را می‌توان بخشی از تلاش این رژیم برای تأثیرگذاری بر نحوه صورت‌بندی مسئله صلح در غرب آسیا دانست؛ به‌گونه‌ای که عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی، به‌عنوان نشانه‌ای از ثبات و همکاری منطقه‌ای برجسته شود و مسئله فلسطین در حاشیه این چارچوب قرار گیرد. این تلاش گفتمانی در شرایطی دنبال می‌شود که اقدامات نظامی رژیم صهیونیستی و پیامدهای انسانی آن، به‌ویژه در سرزمین‌های فلسطینی، پرسش‌های جدی درباره اعتبار ادعای صلح‌طلبی و چشم‌انداز صلح پایدار در منطقه ایجاد کرده است. از این رو، میان گسترش روابط دیپلماتیک و تحقق صلحی فراگیر باید تمایز قائل شد. توسعه روابط رسمی میان دولت‌ها، به‌خودی‌خود به معنای حل منازعات بنیادین منطقه نیست؛ به‌ویژه هنگامی که مسئله فلسطین، حقوق مردم این سرزمین و پایان دادن به اشغال همچنان از مسائل محوری و حل‌نشده منطقه به شمار می‌روند.



ISA CENTER

International & Strategic
Analysis Center